

بنیاد حق طبیعی  
بر اساس اصول آموزه دانش

یوهان گوتلیب فیشته

ترجمه سید مسعود حسینی



## فهرست

مقدمه مترجم ..... ۷

### بخش نخستِ حقِ طبیعی

مقدمه ..... ۱۷

I. چگونه نوعی دانش فلسفی واقعی از یک فلسفهٔ قلبی صرف متمایز می‌شود ۱۷

II. آموزهٔ حقِ طبیعی، به منزلهٔ نوعی دانش فلسفی واقعی، به طورِ خاص

باید چه چیزی را حاصل آورد..... ۲۴

III. در بابِ رابطهٔ نظریهٔ حقِ فعلی با نظریهٔ کانتی..... ۲۸

قسمتِ اصلیِ نخست: استنتاجِ مفهومِ حق (بندهای ۱-۴)..... ۳۳

قسمتِ اصلیِ دوم: استنتاجِ کاربستِ پذیریِ مفهومِ حق (بندهای ۵-۷)..... ۷۵

قسمتِ اصلیِ سوم: کاربستِ منظومه‌وارِ مفهومِ حق، یا آموزهٔ حق (بند ۸).... ۱۱۵

فصلِ نخستِ آموزهٔ حق: استنتاجِ حقِ آغازین (بندهای ۹-۱۲)..... ۱۳۵

فصلِ دومِ آموزهٔ حق: در بابِ حقِ اجبار (بندهای ۱۳-۱۵)..... ۱۶۴

فصلِ سومِ آموزهٔ حق: در بابِ حقِ سیاسی، یا حق در جمهور (بند ۱۶).... ۱۷۷

### بخش دومِ حقِ طبیعی، یا حقِ طبیعیِ کاربسته

قسمتِ نخستِ آموزهٔ حقِ سیاسی: در بابِ قراردادِ شهروندی (بند ۱۷)..... ۲۱۹



## مقدمه مترجم

فیشته قلم جذابی ندارد. حتی می توان به وضوح مشاهده کرد که چگونه همین سبک ناگوار نویسنده اش مانع فهم پذیری بسیاری از نوآورانه ترین و تأثیرگذارترین ایده هایش شده است. این ویژگی طی بیش از دو یست سالی که از مرگ فیشته می گذرد بسیاری از فلسفه دوستان و حتی پژوهشگران جدی فلسفه را رمانده است. اما هرچه بیشتر در متن آثار فیشته غور می کنیم، بیشتر اطمینان حاصل می کنیم که اندیشه وی یکی از سرچشمه های اصیل نظرورزی فلسفی است که با هر بار رجوع به آن می توان بینش هایی نو و اساسی یافت. و اما، یکی از وظایف اساسی فیشته پژوهی، خارج کردن او از زیر سایه هگل خواهد بود. هگل خوب یا بد نگرشی به تاریخ فلسفه را باب کرد که حتی برخی از بزرگ ترین اندیشمندان نیز نتوانسته اند خود را از قید آن برهانند. در این نگرش، که ریشه هایی استوار در متافیزیک هگل دارد، کمابیش تمامی فیلسوفان پیش از او پله های نردبانی هستند که به ضرورت به بام فلسفه هگل منتهی می شوند. چنین نگرشی، علی رغم مزایایی که دارد، چه بسا بسیار مخرب باشد. یکی از پیامدهای مخرب این نگرش این بوده است که مشاهده چهره واقعی (یا دست کم چهره های دیگر) برخی از اندیشمندان، از جمله فیشته، سال ها به تعویق افتاده است. با ترجمه و انتشار آثار اصلی فیشته به زبان فارسی، زمینه تازه ای برای پژوهشی همه جانبه تر، از منظری تازه تر، در جریان فلسفی ایدئالیسم آلمانی فراهم خواهد شد.

بنیاد حق طبیعی (۱۷۹۶) یکی از ارکان اصلی نظام فیشته در دوره یسنا (حدوداً ۱۷۹۴-۱۷۹۹) است که به شرح و تفصیل فلسفه حق یا فلسفه سیاسی او اختصاص